

مقاله پژوهشی:

## نحوه اثرگذاری معنویت بر رشد و پیشرفت اقتصادی

rajaii@iki.ac.ir

mthashemi79@gmail.com

سیدمحمد کاظم رجائی رامشه / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیدمحمد تقی هاشمی / دکتری اقتصاد جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

### چکیده

بر اساس آموزه‌های اسلامی و نتایج تجربه صدر اسلام و انقلاب اسلامی، تقویت معنویت به معنای تعمیق ایمان و تقوا در جامعه، مهم‌ترین زیرساخت و عامل پیشرفت اقتصادی است. معنویت، حالت باطنی ناشی از عمق یافتگی باور به خداوند متعال و احساس وجود او در زندگی است. برپایه این تعریف، اقتصاد متعارف به دلیل ابتناء بر سکولاریسم، امانیسم و لیبرالیسم، و انحصار منابع شناخت به حس و تجربه، «اقتصاد معنوی» یا «سرمایه معنوی» را بر نمی‌تابد. بر اساس یافته‌های مقاله که با روش تحلیلی توصیفی انجام شده، وجود ایمان و تقوی در انسان در گام اول بهره‌وری نیروی انسانی را ارتقا می‌بخشد. با تعمیق ایمان و ارتقای تقوی، روحیه جهادی در نیروی انسانی شکل گرفته، فرهنگ جهادی با ارتقای مضاعف در انگیزه نیروی انسانی، بهره‌وری و کارایی موجب شکل‌گیری کار و حرکت جهادی خواهد شد و از این طریق پیشرفت اقتصادی مضاعف را به ارمغان خواهد آورد. انسان مؤمن و پرهیزگار، در استفاده صحیح، دقیق و کارآ از سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و دارایی پولی سرآمد است. جامعه معنوی، رکود، توقف و ایستایی و عدم استفاده بهینه از امکانات و همچنین ساختارها و نهادهای ناکارآمد را بر نمی‌تابد. بنابراین، معنویت از مسیر انگیزه، با تغییر رفتار، ساختارها را بازتعریف و نهادهای جامعه، به‌ویژه نهاد حکمرانی و بازار را در جهت پیشرفت دگرگون می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** معنویت، رشد اقتصادی، پیشرفت، حرکت جهادی، تأثیر معنویت بر پیشرفت اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: F63.A13 ، D46 ، P4

برخی از صاحب نظران اقتصاد سرمایه داری در مباحث «سرمایه اجتماعی»، «سرمایه معنوی»، و «اقتصاد معنوی» مطالعاتی را آغاز کرده‌اند. آنها با حفظ مبانی و روش، معنویت سکولار را به‌عنوان ابزاری برای افزایش رشد و ارتقای رفاه جامعه در نظر گرفته‌اند. به نظر می‌رسد سکولاریسم، اومانیزم و اتکا به روش تجربی محض، با معنویت همساز نیست. از این رو، مقاله حاضر کوشیده به اشاره از پارادوکس «اقتصاد معنوی» عبور کند.

گرچه واژه «معنویت» بعینه در قرآن و روایات به کار نرفته، ولی در ادبیات معاصر مسلمانان زیاد به کار گرفته شده است (ر. ک: مصباح، ۱۳۸۹، ص ۴-۷). تعبیر «ایمان» (به معنای باور خداوند متعال) و تقوا (به معنای احساس وجود خداوند متعال) در قرآن کریم و روایات را می‌توان مرادف «معنویت» دانست. معنویت بدون ایمان به خدا و معاد، اساساً امکان‌پذیر نیست (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۲۵۶). «معنویت» به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی، از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است (بیانیه گام دوم انقلاب).

برخلاف مفهوم «توسعه» غربی، بررسی مفهوم «پیشرفت» نشان می‌دهد: محور و ستون فقرات پیشرفت، معنویت با مؤلفه‌های ایمان و «تقوا» است. مفاهیمی مانند «تکامل» (evolution)، «ترقی» (Progress)، «رشد» (Growth)، و «پیشرفت» (Progress) که ما از همه آنها با عنوان «پیشرفت» یاد می‌کنیم، واژه‌هایی می‌باشند که به نحوی به فرایند تغییر، تحول و حرکت تکاملی فرد و جامعه توجه دارند. این مفاهیم ریشه در فطرت انسانی دارند و به نظر می‌رسد از ابتدای شکل‌گیری زندگی اجتماعی مطرح‌نظر بوده‌اند.

انبیای الهی همراه با برنامه زندگی از طرف خداوند متعال، برای هدایت بشر به سمت پیشرفت مأموریت داشته و در طول تاریخ زندگی بشر، قرارگاه رسالت (یعنی قرارگاه هدایت) برپا کرده‌اند. قرارگاه هدایت، قرارگاه معنویت و راهبرد آن ایمان و تقواست. انبیا تنها مسیر ترقی و تکامل را شروع از خدا و ختم به او معرفی کرده‌اند. معنویت با مؤلفه‌های محوری ایمان و تقوا نخ تسبیح هدایت به سمت زندگی پاکیزه و حیات معقول در همه ابعاد، از جمله بعد اقتصادی و قرب ربوبی است. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی در مقام تبیین رابطه معنویت و پیشرفت اقتصادی و نحوه اثرگذاری معنویت بر پیشرفت اقتصادی است.

### پیشینه تحقیق

گرچه در خصوص نحوه اثرگذاری معنویت بر متغیرهای رشد و پیشرفت اقتصادی تحقیق مستقلی صورت نگرفته، ولی پس از طرح بحث پیشرفت در دهه ۸۰ شمسی توسط مقام معظم رهبری، کتب و مقالات متعددی درباره مبانی، معیارها و شاخص‌های پیشرفت در ابعاد گوناگون به رشته تحریر درآمده است.

نصرالله خلیلی تیرتاشی (۱۳۸۰) با استنباط از آیات قرآن کریم «ایمان»، «تقوا»، «عمل صالح» و «وسیله» (امکانات مادی زندگی) را چهار معیار اساسی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام معرفی کرده است.

سیدمحمدکاظم رجائی (۱۳۸۱) در کتاب *معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن کریم*، ایمان، تقوا و اعتقاد به مبدأ، معاد و عمل صالح را با استنباط از آیات قرآن کریم از عواملی می‌داند که افزون بر برکات معنوی، تأثیری مستقیم بر زندگی مادی (و فوور نعمت، افزایش بازده و بهره‌وری عوامل تولید) دارد.

سیدمحمدکاظم رجائی (۱۳۸۷) در مقاله «توسعه به‌عنوان هدف: نگرش قرآن»، «حیات طیبه» را یک مفهوم قرآنی جایگزین برای مفهوم «توسعه» معرفی می‌کند و راه رسیدن به حیات طیبه را عمل صالح و شرط آن را ایمان می‌داند.

محمدجمال خلیلیان (۱۳۸۴) در کتاب *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، هرچند واژه «پیشرفت اقتصادی» را به کار نمی‌برد، اما توسعه اقتصادی را به گونه‌ای مطرح می‌کند که به رشد و تکامل بعد معنوی بستگی دارد و فرد و جامعه بدون معنویت نمی‌توانند در مسیر دستیابی به کمال شایسته مقام انسانی خود حرکت کنند.

سیدرضا حسینی (۱۳۸۸) در کتاب *الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، «ایمان» و «تقوا» را از عوامل تأثیرگذار بر هزینه‌های مصرفی شخصی، مشارکت‌های اجتماعی و مخارج پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دانسته، بیان می‌دارد: هرقدر سطح تقوا افزایش یابد هزینه‌های مصرفی شخص کاهش، مشارکت‌های اجتماعی افزایش و همچنین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد.

محمدجواد رودگر (۱۳۸۸) در مقاله «معنویت‌گرایی در قرآن (مبانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای معنوی قرآنی)» معتقد است: معنویت براساس اعتقاد به عالم غیب و اصالت عالم باطن شکل می‌گیرد. معنویت بر اصولی همچون: اصالت روح، اصالت فطرت، اصالت عالم غیب و اصالت شریعت مبتنی است و از مؤلفه‌های عقلانیت، اعتدال و عبودیت برخوردار است.

علی مصباح (۱۳۸۹) در مقاله «واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا» معتقد است: معنویت دو لایه ظاهر و باطن دارد. معنا چیزی است که در باطن یک بیان یا عمل نهفته است و باید کشف گردد. دیگر اینکه معنا به نوعی با نظام اعتقادی و اهداف یک عمل خاص ارتباط دارد. رابطه ظاهر جهان با باطن آن رابطه‌ای معنایی است، به‌گونه‌ای که جهان آشکار جلوه‌ای از باطن جهان و حاکی از معنایی است که در باطن آن مخفی شده است.

مصباحی مقدم و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم» با توجه به آیات، ایمان و تقوا، شکرگزاری، اقامه احکام، استغفار و استقامت در راه حق را عوامل معنوی مؤثر بر رشد اقتصادی معرفی نموده‌اند.

سیدعبدالحمید ثابت و دیگران (۱۳۹۳) در کتاب *ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام*، تربیت و اعتلای معنوی بشر را مبنا و یکی از ویژگی‌های پیشرفت در گفتمان اسلامی می‌داند و تأکید می‌کند: افراد و جوامع بشری در صورتی که نتوانند بر محدودیت‌هایی که فرایند تربیت دینی و تعالی معنوی بشر را دچار اخلال می‌کند غلبه نمایند، آسایش و رستگاری مادی و معنوی خود را تأمین کرده‌اند. در این تحقیق معنویت مبنای پیشرفت لحاظ گردیده و در خصوص نحوه اثرگذاری معنویت بر پیشرفت اقتصادی سخنی به میان نیامده است.

محمدجمال خلیلیان و دیگران (۱۳۹۴) در کتاب *معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام*، درباره شاخص‌های اقتصادی در بحث پیشرفت انسانی بحث و معیارهای پیشرفت انسانی را به گونه‌ای مطرح می‌کند که علاوه بر معیارهای مادی، شامل امور معنوی همانند دین‌داری، سلامت روحی، کرامت و ولایت‌پذیری نیز می‌شود. باترورث (۲۰۱۱) در کتابی با عنوان *علم اقتصاد معنوی*، شواهدی ذکر می‌کند که نشان می‌دهد نگرش مادی به‌هیچ‌وجه نخواهد توانست بشر را به رفاه حقیقی برساند. وی تلاش کرده است برای رفع این معضل براساس آموزه‌های مسیحیت «علم اقتصاد معنوی» را پیشنهاد کند.

چنان که ملاحظه می‌شود تحقیقات پیشین معطوف به ارتباط معنویت و پیشرفت و ارائه مبانی، مؤلفه‌ها و معیارها و شاخص‌های پیشرفت بوده و در نحوه اثرگذاری معنویت بر پیشرفت بحثی نکرده‌اند. مزیت مقاله حاضر این است که به نحوه ورود معنویت در پیشرفت و اثربخشی بر متغیرهای پیشرفت اقتصادی وارد شده است.

## تبیین واژگان کلیدی

### الف. معنویت

«معنویت» مصدر جعلی «معنوی» و به معنای باطنی، روحانی، روحی، عرفانی، عارف، معنایی و درونی است. معنوی گاهی در مقابل ظاهری، مادی، صوری و گاهی در مقابل لفظی و گاه در مقابل مادی و یا حتی در برابر صوری و ظاهری به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

گرچه واژه «معنویت» بعینه در قرآن و روایات به کار نرفته است، ولی می‌توان تعبیر ایمان (به معنای باور به خداوند متعال) و تقوا (به معنای احساس وجود خداوند متعال) در قرآن کریم و روایات را با آن مرادف دانست.

امام خمینی<sup>ع</sup> مجموعه صفات و اعمالی را که شور و جاذبه قوی و در عین حال منطقی و صحیح در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به‌گونه‌ای اعجاب‌آور پیش ببرد «معنویت» معرفی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۸۵).

معنویت منهای خدا و گریز از مرکز وجود انسان، (یعنی فطرت)، نه معنادار است و نه قابل حصول و واقعی، بلکه دروغی است تئوریزه‌شده و مغالطه‌ای است که صورت گرفته و دیر یا زود کوس رسوایی آن بر بام زندگی انسان زده خواهد شد؛ زیرا با فطرت انسان ناسازگار و غیرقابل جمع است و تناقضی آشکار با حقیقت وجود آدمی دارد. به تعبیر استاد شهید مطهری، «از نظر قرآن معنویت پایه تکامل است». به نظر علامه طباطبائی، «عالم باطن که موطن حیات معنوی است، جهانی است بسیار اصیل‌تر و واقعیت‌دارتر و پهناتر از جهان ماده و حس» (طباطبائی، ۱۳۹۴، ق، ص ۶۳؛ رودگر، ۱۳۸۸، ص ۳). معنویت بدون ایمان به خدا، بدون ایمان به مبدأ و معاد، بدون ایمان به معنویت انسان و اینکه در او پرتوی غیرمادی حاکم و مؤثر است، اساساً امکان‌پذیر نیست (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۲۵۶).

بنابراین، ایمان به خدا سرسلسله همه معنویات است (همان، ۸، ص ۳۱۲) و از این طریق انسان به مرتبه‌ای از حیات باطنی دست می‌یابد و سقوط و صعود او وابسته به این نوع حیات است (همان، ۳، ص ۲۹۳).

خداوند متعال کمال نامتناهی است. هر قدر انسان به خدا نزدیکتر شود، معنویت او بیشتر می‌شود. قرب الهی صرفاً اعتباری نیست، بلکه قرب الهی همان نزدیک شدن حقیقی بندگان به خداست که بسته به درجه قرب رتبه معنویت در انسان ارتقا می‌یابد. بنابراین، ارتباط با خداوند، راه یافتن به باطن و حقیقت عالم و استشمام رایحه رحمان از یمن معناسست که با تفکر، ایمان، طهارت و زندگی در چارچوب اراده الهی حاصل می‌شود (فناپی اشکوری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱).

معنویت حالت باطنی انسان و برآیندی از اعتقاد به توحید، باور خداوند متعال و تقوای قلبی و احساس وجود او در رفتار انسان به صورت عمل صالح است که در تمام عرصه‌های زندگی بروز می‌یابد.

اگرچه معنویت‌خواهی امری فطری در وجود انسان است و امر فطری هرگز تبدیل و تبدل نمی‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۲۵، ص ۲۲۸)، اما دین این نیاز فطری را سیراب می‌کند و به انسان‌ها حیات می‌بخشد. دین اسلام به این نیاز فطری جهت می‌دهد، به گونه‌ای که تمام رفتارها و سبک زندگی رنگ خدایی به خود بگیرد: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲). معنویت اعتماد به نفس، آرامش قلبی (رعد: ۲۸)، دو سهم از رحمت پروردگار (حدید: ۲۸)، آینده و مسیر روشن (حدید: ۲۸)، گشایش در زندگی (طلاق: ۲)، برکات آسمان و زمین (اعراف: ۹۶)، رفاه و آسایش (جن: ۱۶) و سرانجام زندگی پاکیزه (نحل: ۹۶) برای فرد و جامعه به ارمغان خواهد آورد.

## ب. پیشرفت

«پیشرفت» در تعریفی عام عبارت است از: «فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب». این تعریف در همه مکتب‌ها با بیش‌ها و ارزش‌های متفاوت صحیح است و اختلاف مکاتب در چگونگی تحلیل وضعیت موجود یا تبیین وضعیت مطلوب یا راهبردهای تغییر ظاهر می‌شود (میرمعزی، نشست اندیشه راهبردی محضر مقام معظم رهبری، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)). تغییر و تحول از وضع موجود به وضع مطلوب در مجموعه ابعاد مبتنی بر پایه مبانی غربی، متناظر با اهداف غرب، با روش‌ها و راهبردهای سرچشمه گرفته از مبانی سکولاریسم، اومانیزم و لیبرالیسم غربی را «توسعه»، و آنچه را برگرفته از منبع وحی و سرچشمه یافته در مبانی اسلامی و متناظر با اهداف الهی و روش‌ها و راهبردهایی باشد که ریشه در مبانی و تربیت توحیدی دارد، «پیشرفت» می‌نامیم. از این رو، تغییر در تولید ملی به سمت بهره‌مندی بهینه از منابع و عوامل تولید و تولید پاک و توزیع عادلانه و مصرف صرفه‌جویانه بر پایه معیارهای تولید، توزیع و مصرف پاک را پیشرفت اقتصادی می‌نامیم.

توسعه بر مبنای اومانیزم را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

اومانیزم فقط به انسان مادی و زندگی دنیوی او توجه دارد و اصلاً توجهی به بعد معنوی و زندگی اخروی انسان ندارد و بحث درباره خدا، قیامت و ملکوت را بی‌پرده می‌شمرد. اما در اسلام، خداوند مدار و محور هستی و قرب به او هدف و مقصد انسان شناخته شده است و انسان از آن جهت که عبد، خلیفه و آئینه و جلوه خداست، ارزشمند می‌باشد و در غیر این صورت هیچ ارزشی ندارد. با این نگرش، زندگی مادی و دنیوی نه تنها اصالت نمی‌یابد، بلکه به‌مثابه وسیله و ابزاری برای قرب حق تعالی و رسیدن به جهان ابدی آخرت شناخته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۲ - ۲۳).

پیشرفت اقتصادی نه تنها مذموم نیست، بلکه از نظر اسلام، دنیای مذموم دنیایی است که با آخرت منافات داشته و مانع حرکت انسان به سوی کمال باشد. دنیایی که در جهت تکامل انسان و رسیدن به آخرت باشد، نه تنها منفی و منفور نیست، بلکه مطلوب نیز می‌باشد. «اگر بعد مادی در خدمت بعد معنوی قرار بگیرد، توسعه ایده‌آل اسلامی - پیشرفت - خواهد بود» (همان).

### اقتصاد معنوی سکولار

در ادبیات غرب، تعریف اولیه سرمایه معنوی، مربوط به گری بکر تحلیل‌گر معروف اقتصاد خانواده و با رویکرد سرمایه انسانی و اجتماعی صورت گرفته است. یعنی همان‌طور که نیروی تولیدی خانواده به‌عنوان سرمایه انسانی تلقی می‌شود، تولیدات معنوی و رضایت خاطر حاصل از معنویات نیز موجب ارتقاء سطح سرمایه انسانی مذهبی می‌گردد. به بیان وی سرمایه انسانی مذهبی را می‌توان به‌عنوان مهارت‌ها و تجربیات خاص دینی و آیینی که شامل دانش مذهبی، آشنایی با مراسم و آموزه‌های کلیسا و دوستی با سایر عبادت‌کنندگان است، تعریف کرد. از نظر وی، علم دینی، روابط و دوستی‌های مبتنی بر دین، به افراد برای تولید کالاهای معنوی که در جامعه دارای ارزش مادی می‌باشند، کمک می‌کنند (ارباب، ۱۴۰۰، ص ۶۵ به نقل از اینانکن، ۱۹۹۰). اغلب پژوهش‌های مربوط به کاربرد معنویت در اقتصاد سرمایه‌داری به پژوهش‌هایی اختصاص دارند که نگاه ابزاری به معنویت دارد. لسان این پژوهش‌ها این است که اگر بتوان معنویت را به نوعی سرمایه برای جامعه تبدیل کرد که از آن برای افزایش رفاه جامعه استفاده شود، مفید و در غیر این صورت معنویت نه تنها سود نخواهد داشت که مانع رشد اقتصادی نیز خواهد بود.

تردیدی نیست که حلقه مفقوده دانش اقتصاد، معنویت است. براین اساس اقتصاددانان تیز بین در مسیر پر پیچ و خم نظریه‌های اقتصاد سرمایه‌داری «از ایستگاه‌های سرمایه انسانی و اجتماعی به مقصد سرمایه معنوی عبور کرده‌اند (ارباب، ۱۴۰۰، ص ۶۳ به نقل از روزولت، ۲۰۰۳). مشکل اینجاست که آنها بدون بازگشت از مبانی سکولاریسم، امانیسم و لیبرالیسم به این دیار ورود پیدا کرده‌اند.

چگونه می‌شود گزاره‌های ارزشی را به دلیل تجربی نبودن، غیر علمی و حتی معنی‌دار ندانست، و سخن از معنویت به میان آورد؟ چگونه می‌توان براساس آموزه‌های پوزیتیویسم منطقی یا تحقق‌پذیری تجربی، تنها راه معتبر برای معرفت به واقعیت را حس و تجربه معرفی کرد و معیار سنجش صدق و کذب را تجربه و آزمون حسی نشان داد، گزاره‌های ارزشی را بی‌معنا معرفی کرد، «گیوتین قوی و تیز دیوید هیوم» را در دست گرفت و همه گزاره‌های ارزشی را از علوم اجتماعی و از جمله علم اقتصاد زدود و همزمان سخن از «اقتصاد معنوی» به میان آورد. از این‌رو، آن‌گونه که مبانی اقتصاد سرمایه‌داری معنویت را بر نمی‌تابد و اقتصاد معنوی را پارادوکسیکال می‌نماید، واژه‌هایی شبیه «سلامت معنوی»، «اقتصاد معنوی» و امثال اینها نیز طرز تاریخ، بازی با مفاهیم و قطعه‌ای از فیلم‌های هالیوودی است.

آن‌گونه که «اقتصاد معنوی» با نگاه ابزاری به معنویت با محتوای پارادوکس معنویت سکولار که در آن «معنویت به‌عنوان عاملی برای توسعه و رفاه اقتصادی و ابزاری برای رسیدن به لذات مادی بیشتر از مسیری

آسان تر و کم هزینه تر» (ارباب، ۱۴۰۰، ص ۶۴) پارادوکس است. اقتصاد معنوی با نگاه استقلالی نیز با حفظ مبانی نظام سرمایه‌مداری و روش‌شناسی اثبات‌گرای پوزیتیویسم منطقی بی‌معنا خواهد بود.

### رابطه معنویت و پیشرفت اقتصادی از منظر قرآن کریم

بررسی سیر مفهومی تکامل و پیشرفت، چه به صورت فردی و چه اجتماعی نشان می‌دهد محور توحید است. تکامل فردی از «إِنَّا لِلَّهِ» شروع و به «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) ختم می‌شود. جامعه نیز مسیر ترقی، تکامل و پیشرفتش جز با پذیرش حکمرانی خداوند متعال، مالکیت حقیقی او نسبت به کل هستی «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا» (نساء: ۱۲۶)، خلیفه‌اللهی انسان «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، موهبت الهی دانستن همه هستی «أَتُوهْمُ مَنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور: ۳۳) و حاضر دانستن همه مخلوقات در مسیر تکاملی تحت مشیت و اراده او «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَيَسُبِّحَانَ الَّذِي يَبْدُوهُ مَلَكُوتٌ كُلُّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس: ۸۳) صورت نمی‌گیرد و شروع و فرایند حرکت جامعه با اراده اوست. دانه‌ای که انسان می‌افشاند با مشیت او می‌روید «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرَثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (واقعه: ۶۳ و ۶۴)؛ انسان و مصنوعات او همه مخلوق خدایند «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ» (صافات: ۹۶) و بازگشت همه به سوی اوست: «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶). قرآن کریم در تلاش است تا فرد و جامعه را به گونه‌ای تربیت کند که ذکرش «إِنَّا لِلَّهِ»، رفتارش «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» و پیامد ارزشمند فعالیتش اتصال به قدرت لایزال الهی و همراهی و هدایت خداوند متعال «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) شود.

از الزامات این حرکت تکاملی ایجاد نهادهای لازم و در رأس آن تشکیل حکومت ولی خداست. خداوند ولی مؤمنان «اللَّهُ وَلىُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا» (بقره: ۲۵۷) و حکمرانی مختص ذات پاک اوست: «إِن الْحُكْمُ اِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰). و چون پیامبر به درجه‌ای رسیده است که همه هستی را نشانه او بداند و خود را نبیند «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص: ۷۸) همه چیز را فضل «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي» (نمل: ۴۰) و رحمت «قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي» (کهف: ۴۰) خداوند می‌داند. آحاد جامعه، حاکمیت و جامعه نیز باید خدا را باور کند و در طی مراحل زندگی و رفتارهای فردی با یاد مستمر و مداوم او خالقیتش، ربوبیتش، هدایتش و همه اوصاف کمالی‌اش را احساس کند و بکوشد خود را به او نزدیک گرداند تا در جوار او قرار گیرد و به اوج کمال برسد. از این‌رو، معنویت با مشخصه‌های «ایمان» و «تقوا» و با فرایند تربیت توحیدی نخ تسبیح تکامل و پیشرفت فردی و اجتماعی و جزء لاینفک همه ابعاد پیشرفت از جمله پیشرفت اقتصادی است.

اصولاً کتب آسمانی و برنامه‌های زندگی که از ناحیه خداوند متعال نازل شده پایه‌ای‌ترین راهبرد پیشرفت اقتصادی را معنویت معرفی می‌کند. از منظر قرآن کریم، اگر قوم حضرت موسیؑ تورات را و قوم حضرت عیسیؑ انجیل را و مسلمانان قرآن را سرلوحه عمل قرار می‌دادند از آسمان و زمین روزی بر آنها می‌بارید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده: ۶۶). اصولاً این سنت

الهی است که اگر اهل هر دیاری خدا را باور کنند و در رفتارها او را حاضر بدانند برکات آسمان و زمین بر آنها نازل می‌شود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶). از نظر قرآن کریم برای دریافت برکات آسمان و زمین و کسب سهم دنیا و آخرت «يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ» (حدید: ۲۸) و روشن شدن مسیر تکاملی زندگی «وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» (همان) راهی جز ایمان به خدا، تقوای الهی و عمل به فرامین پیامبر نیست. براساس این مفهوم از معنویت و پیشرفت می‌توان گفت: قرآن کریم مکرر به رابطه مثبت میان معنویت و پیشرفت اقتصادی تصریح کرده است.

### نحوه تأثیرگذاری معنویت بر پیشرفت اقتصادی

مسیرهای تأثیرگذاری معنویت بر رشد و پیشرفت اقتصادی را از طریق اصلاح انگیزه‌ها، رفتارها و نهادهای اجتماعی می‌توان ردیابی کرد. معنویت از طریق انگیزه‌های درونی، رفتارها را متأثر می‌سازد. انگیزه انسان اقتصادی برای فعالیت، دقت او در کار را افزایش می‌دهد و بهره‌وری نیروی انسانی را ارتقا می‌بخشد و به پیشرفت اقتصادی می‌انجامد. با تعمیق ایمان و ارتقای تقوا روحیه و فرهنگ جهادی در نیروی انسانی شکل گرفته، فرهنگ جهادی بن‌مایه تغییر مضاعف در انگیزه نیروی انسانی، ارتقای مضاعف بهره‌وری، کارایی و سرانجام شکل‌گیری و حرکت جهادی خواهد شد و از این طریق پیشرفت اقتصادی مضاعف را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد. «روحیه جهادی» یعنی: اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

### بهره‌وری نیروی انسانی

نیروی انسانی موجود در جامعه معنوی، نسبت به جامعه سکولار، اعم از متخصص و ساده، به سبب اعتقاد به مبدأ و معاد و تربیت توحیدی، خداوند را ناظر بر رفتارهای خود می‌داند و از ترس عذاب روز قیامت، تمام امکانات در دسترس را امانت دانسته، مسئولیت‌پذیر است، از وجدان کاری بالایی برخوردار و برحسب درجه اعتقاد و تربیت، از بهره‌وری بالاتری برخوردار خواهد بود. بنابراین، در بخش تولید، هر قدر نیروی انسانی درجه بالاتری از ایمان و تقوا داشته باشد در استفاده بهینه از ابزار تولید، جلوگیری از اتلاف و اسراف منابع، عدم اضرار به غیر، و به‌کارگیری از امکانات مؤسسه تولیدی بیشتر می‌کوشد و در نتیجه بازده مؤسسات تولیدی افزایش یافته، رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

معنویت از طریق اصلاح رفتارها که در اصطلاح قرآنی به آن «استغفار» و «توبه» از رفتارهای نادرست گفته می‌شود، موجب ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی در جامعه می‌گردد. قرآن استغفار و توبه را که نتیجه آن اصلاح رفتارها و بازگشت به مسیر پیشرفت است، عامل مدرسان از طرف خداوند به بشر معرفی کرده، می‌فرماید: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنِينَ وَ يَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَّكُمْ أَنْهَارًا» (نوح: ۱۰-۱۲) و در جای دیگر «وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ» (هود: ۵۲) را آورده

است. «افزودن توان بر توان انسان» همان چیزی است که از آن به ارتقای بهره‌وری تعبیر می‌شود؛ چنان‌که برخی از مفسران نیز می‌نویسند:

بلکه نیروی جسمانی شما را با بهره‌گیری از نیروی معنوی افزایش می‌دهد و با این پشتوانه مهم قادر خواهید بود اجتماعی آباد، جمعیتی انبوه، اقتصادی سالم، و ملتی بپر قدرت و آزاد و مستقل داشته باشید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۹).

## حرکت جهادی

از آیات و روایات استنباط می‌شود که جهاد اقسامی دارد و یکی از بافضیلت‌ترین آنها کار و تلاش اقتصادی برای کسب حلال است. شاید به این سبب باشد که لقمه حلال گلوگاه تربیت توحیدی و تربیت توحیدی منشأ جهاد فی سبیل الله است. در نتیجه، حتی مجاهدت نظامی و گذشتن از جان و مال نیز متوقف بر کسب لقمه حلال است.

در گفتمان قرآنی و روایی، جهاد فی سبیل الله نوعی تلاش و کوشش با انگیزه الهی، مخلصانه، تقابلی، جهشی، مستمر، همه‌جانبه و هوشمندانه است. جهاد فی سبیل الله علاوه بر انعکاس تقدس و جلوه‌گری اهمیت کار و کوشش که در لفظ «جهاد» نیز نهفته، بیانگر قداست خاص، دارای جنبه حماسی و عبادی بودن نیز هست.

گرچه صرف شکل‌گیری ایمان و تقوا در جوهر وجود انسان منشأ ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود، ولی تعمیق ایمان و تقوا حالتی حماسی پدید می‌آورد که نتیجه آن را واژه «بهره‌وری» بر نمی‌تابد. از این‌رو، از آن به «حرکت جهادی» تعبیر می‌شود. حرکت جهادی برگرفته از اندیشه ناب اسلامی و فرهنگ اهل بیت (ع) نه تنها از هدر رفتن منابع و وارد شدن خسارت به امکانات جامعه و محیط‌زیست جلوگیری می‌کند، بلکه این ظرفیت را دارد که همه اهداف میانی اقتصاد کلان را همزمان محقق ساخته، رشد و پیشرفت اقتصادی را تسریع بخشد. چنین فرهنگی عامل و ترغیب‌کننده حداکثر فعالیت اقتصادی، مصرف به‌جا و در حد کفاف و حتی مشارکت مردمی داوطلبانه در تولید و تأمین نیازهای جامعه به‌عنوان واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه) و بهبود بازتوزیع منابع در قالب کاروان‌های جهادی و مواسات است. چنین فرهنگی منابع و امکانات را بسیج می‌کند و منشأ تخصیص بهینه منابع و تسریع همزمان ارتقای سطح معنویت، رشد اقتصادی و عدالت می‌شود.

حرکت جهادی توقف، خمودگی، رکود، سهل‌انگاری، کسالت و ایستایی را بر نمی‌تابد و انسان را به خزانه بیکران خداوند وصل و «يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا» (فتح: ۲۹) فضل و درآمد بیش از حد کفاف (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ق، ص ۳۹۵) را از آن خزانه بیکران مطالبه می‌کند. در جامعه معنوی تلاش برای تأمین نیازهای اساسی خانواده و جامعه واجب، و تلاش برای توسعه زندگی و وسعت در تأمین نیازمندی‌های آنان مستحب است (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۹). در یک جامعه معنوی شتافتن در صبحگاهان به سوی فضای کسب و کار، به‌مثابه حرکت به سمت کسب عزت «أَعْدُ إِلَى عَزْكَ، اعْنَى السُّوقَ» (همان، ج ۱۲، ص ۴) و در نتیجه فعالیت اقتصادی برای تأمین نیازهای خانواده، جامعه و تکافل اجتماعی عبادت است.

## بهره‌وری سرمایه‌های فیزیکی

انسان مؤمن و پرهیزگار نعمت‌های الهی، از جمله سرمایه را موهبت الهی و امانت در دست انسان می‌داند. او در استفاده صحیح، دقیق و کارا از سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و دارایی پولی سرآمد است.

خلیفه خداوند بودن و جانشینی عام برای همه انسان‌ها انعکاسی از مالکیت حقیقی خداوند است؛ به این معنا که انسان در مالکیت و تصرفات خود استقلال ندارد، بلکه امانتدار و جانشین خداوند است. رسم امانت‌داری و جانشینی این است که نسبت به بهره‌برداری از کالاها و رعایت حقوق مالک‌الملوک بکوشد و براساس اوامر الهی فعالیت‌های خود را سامان دهد.

انسان معتقد به معاد معتقد به حیات ابدی است و دنیا را مزرعه آخرت می‌داند. او معتقد است: هر فردی که موهبت‌های الهی و از جمله عمرش را در غیر آنچه باید صرف کند بگذراند، سزاوار حسرت طولانی در روز قیامت است. بدین‌روی، باید در اوج بهره‌وری از نعمت‌های الهی باشد تا زیان نبیند.

خداوند متعال منابع طبیعی و امکانات دنیا را مسخر انسان قرارداد و غایت این توانمندی را شکر نعمت بیان فرمود: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مِّنْ حَبْلِ الْجَنَّةِ وَتَرَى الْقُلُوكَ مَوْخِرًا فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۱۴). شکرگزاری اظهار نعمت با اعتقاد، گفتار و رفتار است (طباطبائی، ۱۳۹۴ق، ج ۱۲، ص ۳۴) و اظهار نعمت در رفتار را استفاده درست از نعمت و به‌کارگیری بهینه عوامل معنا کرده‌اند «وَضَعُ النِّعْمَةَ فِي مَوْضِعِهَا» (همان، ج ۴، ص ۳۷). شکر نعمت و استفاده درست از نعمت‌های الهی به‌طور قطع مرادف با افزون شدن نعمت است؛ همچنان‌که ناسپاسی عذاب شدیدی به دنبال دارد: «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷) بنابراین، به‌کارگیری سرمایه‌ها و عوامل تولید به گونه‌ای کارا به دور از اسراف در تمام فرایند تولید نوعی استفاده شاکرانه است که در نهایت، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه‌های فیزیکی را به دنبال دارد و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی می‌گردد.

## قوام و توازن در مخارج

قوام، توازن و میانه‌روی در مخارج از ویژگی‌های بارز افراد جامعه معنوی است: «الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷). کسانی می‌باشند که وقتی انفاق می‌کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند. قوام در مصرف یعنی: «در چارچوبی که خدا معین نموده هزینه کردن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۱۶) اموال و دارایی‌ها باید موجبات قوام و استواری جامعه را فراهم سازد. معیار در بهره‌برداری از منابع و اموال، اعم از شخصی و عمومی، بهره‌برداری در موضع قوام آنهاست. «اموالتان را که خداوند سبب قوام و استواری زندگی‌تان قرار داده است به کم‌خردان و ناهالان ندهید» «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵).

چارچوبها و الزامات شرع منابع و امکانات را منحصرأ در سه مسیر «مصرف خانواده در حد ضرورت»، «سرمایه‌گذاری برای تأمین واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه)» و «تکافل اجتماعی با اولویت توانمندسازی محرومان» قرار می‌دهد. معنویت موجب می‌شود همزمان امکانات در این سه مسیر الزامی قرار گیرد. به عبارت دیگر، معنویت نگرش قوام به مال را در آحاد جامعه پدید می‌آورد. قوام در به‌کارگیری منابع اقتضا دارد منابع و موهبت‌های الهی معطل نماند و به صورت الزامی در سه ضرورت نفقه عیال «مخارج ضروری خانواده»، واجبات نظامیه «سرمایه‌گذاری در ضرورت‌های اجتماع» و تکافل اجتماعی «مصارف ضروری فقرا» به کار گرفته شود.

معنویت در ناحیه مخارج از چند مسیر موجب ارتقای سطح تولید و در نتیجه پیشرفت اقتصادی می‌گردد. معنویت موجب می‌شود سطح زیر منحنی تقاضای کالای ضروری در بازار اسلامی نسبت به سایر بازارها، از جمله بازار رقابت کامل بیشتر شود و در نتیجه افزایش تقاضا و از طریق عامل قیمت، عرضه بیشتر مطالبه گردد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه) چون واجب کفایی است، سبب ارتقای سطح تولید کالاهای ضروری می‌شود و سرانجام، با توانمندسازی محرومان، اقشار محروم جامعه نیز به جمع تولیدکنندگان می‌پیوندند، تعداد مؤسسه‌های تولیدی افزایش می‌یابد و در نتیجه عرضه کل افزون می‌گردد. بنابراین، معنویت در هر سه مسیر برای ارتقای تولید و پیشرفت اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کند.

به عبارت دیگر، از جمله عوامل مؤثر بر تقاضای بازار، تعداد افراد تقاضاکننده آن کالا است. معنویت موجب ارتقای روحیه تکافل اجتماعی می‌شود. تکافل اجتماعی از یک سو، و مسئولیت دولت در قبال محرومان از سوی دیگر، موجب می‌شود همه افراد جامعه نسبت به خرید کالاهای ضروری (کالاهای ضروری عموم مردم جامعه) قدرت خرید پیدا کنند و به جمع تقاضاکنندگان بپیوندند. در نتیجه سطح زیر منحنی تقاضای بازار نسبت به سایر بازارها - از جمله رقابت کامل - بیشتر شود؛ یعنی در مجموع، رفاه جامعه بالاتر رود و توزیع عادلانه‌تر گردد.

### پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

پیش از این بیان شد که چارچوب و الزامات شرع منابع و امکانات را منحصرأ در سه مسیر قرار می‌دهد: مصرف خانواده در حد ضرورت، سرمایه‌گذاری برای تأمین واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه) و تکافل اجتماعی با اولویت توانمندسازی محرومان. معنویت موجب می‌شود همزمان امکانات در این سه مسیر الزامی قرار گیرد.

در این الگو، هر قدر درآمد افزایش یابد، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تلاش برای برآوردن نیازهای جامعه و امت اسلامی، پایه‌پای وظایف دیگر (نفقه واجب، تکافل اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ کیان اسلام) حرکت می‌کند. سرمایه‌گذاری مداوم بسان یکی از واجبات نظامیه، رشد اقتصادی مداوم را به دنبال دارد؛ همچنان که توانمندسازی محرومان در کنار رشد ادامه می‌یابد و به ملحق شدن محرومان به فعالان اقتصادی و تصاعدی شدن رشد می‌انجامد.

اصول ایجابی رفتار مصرفی در جامعه معنوی (یعنی عبادت بودن تلاش برای افزایش رفاه خانواده و جامعه)، جامع‌نگری نسبت به همه نیازهای کنونی و آینده خود و دیگران، تدبیر و برنامه‌ریزی، رعایت حد کفاف در معاش، نگاه به پایین دست در سطح معیشت «النظر الی الأدنى معیشت»، کم‌خرج و پرخیر بودن «قلیل المؤمنه و کثیر المعونه بودن»، و انجام واجبات مالی و اصول سلبی مانند حرمت اسراف، اتلاف و اتراف مال (رک: حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹-۲۲) موجب می‌شود درآمدها به گونه‌ای در موقع قوام به کار گرفته شود و از مصارف اسراف‌گونه پرهیز گردد. در نتیجه، پس‌انداز و منابع مالی سرمایه‌گذاری افزایش یابد.

### امنیت و پیامد سرمایه‌گذاری

آموزه‌های اسلامی و تجربه مدینه‌النبی نشان می‌دهد که باور به خداوند متعال، احساس وجود او در رفتارهای فردی و اجتماعی و در یک کلمه «معنویت» می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد ملت با رنگ‌ها، قومیت‌ها و قبیله‌های مختلف آن و انسجام اجتماعی شود. از این رو، امنیت ملی پیوند وثیقی با اعتقادات اسلامی، تربیت توحیدی و رشد معنویت دارد.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری رابطه تنگاتنگی با امنیت دارد. هر قدر امنیت بیشتر باشد سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود. قرآن اهالی سرزمینی را مثال می‌زند که در نهایت امنیت بودند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً و ساکنان آن با اطمینان در آن زندگی داشتند و هرگز مجبور به ترک و مهاجرت از آن نبودند و انواع روزی‌ها از مکان‌های دیگر به سبب امنیت و اطمینان به آن سرزمین سرازیر می‌شد: «يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (نحل: ۱۱۳). این آیات سه ویژگی را برای منطقه آباد و خوشبخت ذکر می‌کند که نخستین آنها امنیت است، سپس «اطمینان به ادامه زندگی در آن»، و بعد از آن «فراوانی روزی» می‌باشد.

علامه طباطبائی تصریح می‌کند که نعمت‌های مادی هنگامی به تکامل می‌رسند که با نعمت معنوی ایمان و توحید هماهنگ گردند. به همین سبب، پس از ذکر نعمت‌های سه‌گانه می‌فرماید: «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ» (نحل: ۱۱۳) پیامبری از جنس آنها برای هدایتشان مأموریت پیدا کرد (طباطبائی، ۱۳۹۴ق، ج ۱۲، ص ۳۶۲).

بنابراین، با گسترش معنویت، رفتارها و ساختارهای اجتماعی به گونه‌ای شکل می‌گیرد که هیچ‌گونه نااطمینانی از ناحیه تغییر نظام، اعمال زور و فشار فرمانروایان، تغییر قوانین اقتصادی و وضع مالیات‌های سنگین، اعمال فشار مؤسسات بزرگ اقتصادی و اخراج مؤسسه‌های کوچک از بازار، امنیت اقتصادی را تهدید نمی‌کند و همین موجب افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی می‌گردد.

### توانمندسازی فقرا و محرومان

معنویت موجب نهادینه شدن الگوی تکافل اجتماعی در جامعه می‌شود. در الگوی تکافل اجتماعی و توزیع درآمد از منظر اسلام، معطل گذاشتن سرمایه (کنز) و نیروی کار، اسراف تلقی می‌شود و حرام است. افراد نسبت به یکدیگر

مسئول و نسبت به تأمین نیازهای ضروری خانواده‌های زیر حد کفاف موظفانند. براساس سیره نبی مکرم، بهترین نوع انفاق، توانمندسازی است که به موجب آن، خانواده‌هایی با درآمد کمتر از حد کفاف، از طریق فعالیت اقتصادی و کار، به چرخه خانواده‌های فعال اقتصادی می‌پیوندند و مازاد درآمد خود را سرمایه‌گذاری یا انفاق می‌کنند. از سوی دیگر، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری مجدد، چرخه مصرف، سرمایه‌گذاری و تکافل اجتماعی را ارتقا می‌بخشد و از این طریق، رشد اقتصادی و دانش فنی افزایش و در نتیجه، درآمد ملی ارتقا پیدا می‌کند. به دنبال رشد اقتصادی، سطح کفاف جامعه به شکل پویا ارتقا می‌یابد؛ همچنانکه درون این فرایند، یک هم‌افزایی میان معنویت، عدالت و رشد اقتصادی برقرار خواهد شد.

به عبارت دیگر، معنویت موجب می‌شود هر قدر درآمد افزایش پیدا می‌کند، توانمندسازی محرومان از نظر کمی و کیفی ارتقا یابد و ملحق شدن محرومان به فعالان اقتصادی به تصاعدی شدن رشد بینجامد.

## ارتقای کارایی

معنویت موجب می‌شود مؤسسه تولیدی به سبب تربیت توحیدی، وجود روحیه مواسات، تعاون و همیاری، مشارکت عمومی ناشی از لزوم امر به معروف و نهی از منکر، حاکمیت اخلاق و صداقت و نظام سه‌م‌بری در توزیع سه‌م عوامل تولید، از هزینه کمتر و کارایی بیشتری نسبت به بازار مشابه در اقتصاد سرمایه‌داری برخوردار باشد. انتظار می‌رود مؤسسه تولیدی با توجه به تفاوت‌های مزبور، نسبت به مؤسسه مشابه از هزینه کمتر و کارایی بیشتری برخوردار باشد. همچنین با ساختار کارآمدی مشابه، محصولی بیش از مؤسسه فعال در سایر بازارها تولید کند. به عبارت دیگر، از کارایی بالاتری برخوردار باشد.

## نهادهای اجتماعی

رسیدن به هدف والای عدالت که هدف میانی به‌شمار می‌آید، مستلزم آن است که در جامعه پیشرفته اسلامی، نهادها به گونه‌ای تنظیم شود که آحاد مردم در دسترسی به امکانات اولیه و فرصت‌ها، حق برابر داشته باشند، توزیع درآمد میان عوامل تولید از طریق نهاد بازار مبتنی بر حقوق اسلامی (مانند نفی ربا، نفی احتکار، و نفی فریب و غرر) صورت پذیرد و در نتیجه همه افراد و گروه‌ها از امکانات رفاهی در قلمرو حد کفاف برخوردار شوند. در چنین جامعه‌ای شکاف طبقاتی به معنای وجود طبقه اکثریت فقیر در کنار اقلیت مرفه وجود نخواهد داشت.

جامعه‌ای که به معنویت دست یافته باشد، افزون بر تغییر رفتارها، نمادهای بیرونی و نوع چینش نهادها را نیز متأثر می‌سازد. در جامعه معنوی انتظار این است که نهادها به گونه‌ای تنظیم گردند که هیچ حقی از کسی ضایع نگردد. در یک جامعه معنوی سازوکارهای رسیدن به رشد و پیشرفت اقتصادی مستلزم داشتن دولت شایسته، قوانین و مقررات شفاف و کارا، بازار سالم و همچنین نهادهای خیریه مکمل است.

## حاکمیت ولی (دولت شایسته)

امیرمؤمنان علیؑ اصلاح امور مردم را منوط به اصلاح زمامدارن دانسته و اصلاح زمامداران را نیز تابعی از قرار گرفتن مردم در مسیر صحیح و مستقیم شمرده، می‌فرماید: «... فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلَاةِ، وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۷، ص ۲۰). در نظام اسلامی واژه‌های «ولی»، «حاکم»، «امام»، و «دولة» مرادف یکدیگرند و به جای هم به کار می‌روند. براساس آموزه‌های اسلامی و نص قرآن کریم، حق حکمرانی مختص ذات باری تعالی است (یوسف: ۶۷). بر پایه نصوص دین، خداوند متعال اجازه حکمرانی را به پیامبر، پیشوایان معصوم و اولی‌الامر داده است. بدین‌روی حق حکمرانی منحصر در «قرارگاه رسالت» است. «قرارگاه رسالت» قرارگاه هدایت است. هادی کسی است که خود هدایت یافته و در اوج کمال قرار دارد. به عبارت دیگر، رهبری جامعه مختص رسول، امام و پیشوای معصوم، و در زمان غیبت، عالم پرهیزگاری است که افزون بر دانش لازم و توان مدیریتی برای هدایت جامعه، خود به درجه‌ای از تهذیب نفس و معنویت رسیده که بتواند هادی به سمت کمال و پیشرفت باشد. براین‌اساس، دولت اسلامی را می‌توان به «حاکمیت ولی بر پایه مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی برای هدایت جامعه به سمت پیشرفت» تعریف کرد.

در یک جامعه معنوی دولت علاوه بر اینکه حافظ نظم و امنیت جامعه است، مسئولیت مهمی به نام «برقراری عدالت اجتماعی» و مهم‌تر از آن زمینه‌سازی برای رشد و تعالی معنوی مردم را بر عهده دارد (حج: ۴۱). از این‌رو، نهاد دولت در یک جامعه معنوی صبغه الهی دارد. تنها مقام شایسته حاکمیت کسی است که مقرب‌ترین فرد به خدای متعال بوده و الهی شده باشد. بنابراین، حاکمیت مختص «امام عادل» و در غیبت امام معصومؑ، فقیهان جامع‌الشرايط است (حعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۵-۴۹۰). از جمله وظایف چنین حاکمیتی جهت‌دهی جامعه در ابعاد گوناگون از جمله اقتصادی - به سمت پیشرفت است و پاکدستی، حرکت جهادی، کارایی و اثربخشی از مشخصه‌های اصلی آن به‌شمار می‌رود (ر.ک: حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۲).

## قوانین عادلانه

هر قدر معنویت در یک جامعه بیشتر گسترش یابد قوانین و مقرراتی بیشتر به تصویب می‌رسد که موجب اعطای حق به صاحبان حق می‌گردد. این امر زمانی ممکن است که قوانین و مقررات توزیع مخالف قوانین منبعث از منبع وحیانی نباشد. طبق قوانین برگرفته از منبع وحیانی مالکیت ثروت‌های طبیعی، مانند کوه‌ها، زمین‌های موات، زمین‌های آباد طبیعی، جنگل‌ها، معادن و دریاها متعلق به ولی‌امر (دولت اسلامی) است و مباحات اولیه، مانند هیئتم، بیابان، پرندگان، آبیان و حیوانات بیابان و برخی معادن سطحی مانند نمک و آب‌های جاری در طبیعت نیز به

صورت مشترک متعلق به همهٔ مسلمانان است. در حق بهره‌برداری از این مواهب صاحبان سرمایه و ماشین آلات هیچ امتیازی ندارند و حق بهره‌برداری به گونه‌ای قرار داده شده که نیروی کار به راحتی بتواند به برداشت حقوق خود از طبیعت اقدام نماید تا از بروز شکاف طبقاتی از محل توزیع امکانات عمومی جلوگیری شود: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷).

توزیع درآمد بین عوامل تولید (نیروی کار، مدیریت، دارایی مالی و سرمایه فیزیکی) به گونه‌ای است که به توزیع متعادل تری می‌انجامد؛ زیرا نیروی کار و مدیریت می‌توانند حقوق خود را هم به صورت مزد معین و هم به صورت سهمی از درآمد دریافت کنند، درحالی‌که صاحب سرمایه نقدی فقط در صورت مشارکت در تولید می‌تواند سهمی از درآمد را به دست آورد. صاحب سرمایه فیزیکی فقط می‌تواند اجاره ثابت دریافت کند و نمی‌تواند در درآمد شریک شود.

در یک جامعه مطلوب معنوی علاوه بر تدابیر ناظر بر توزیع اولیه ثروت‌های طبیعی و توزیع درآمد بین عوامل تولید، تدابیر ویژه‌ای به منظور حمایت از اقشار فاقد درآمد و یا کم‌درآمد اندیشیده شده است. مالیات‌هایی همچون زکات، خمس، زکات فطره، جزیه، خراج و همچنین توزیع مجدد داوطلبانه مردمی از طریق انفاقات، صدقات، اوقاف، هدایا، نذورات، وصیت، کفارات، و قربانی از جمله همین تدابیر است. براساس آیات و روایات و تجربه صدر اسلام، جامعه مطلوب معنوی جامعه‌ای عاری از فقر است و تأمین رفاه اقتصادی طبقه فقیر تا رسیدن به حد کفاف اجتماعی از وظایف دولت و مردم است.

## بازار سالم

بازار به‌عنوان یکی از نهادهای اقتصادی نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی ایفا می‌کند. در یک جامعه معنوی به سبب وجود ضوابط و مقررات دقیق و برگرفته از منبع وحی، نهادها - از جمله بازار - به گونه‌ای تنظیم شده است که پیشرفت اقتصادی از طریق شکوفایی استعدادهای فطری انسان و بروز توانمندی درونی او به‌عنوان حداقل مطلوب حاصل می‌گردد.

گسترش معنویت از یک سو، موجب رعایت حقوق معاملات (مانند حرمت ربا، حرمت احتکار، آزادی فعالیت‌های اقتصادی، احترام به قراردادها، احترام مال مردم و حرمت کم‌فروشی) از سوی دولت و مردم می‌شود و از سوی دیگر، رعایت ارزش‌های اخلاقی (مانند انصاف، تعاون و همکاری، قناعت به سود کم و امثال اینها) خواهد شد. اگر مردم و دولت ارزش‌های اخلاقی را رعایت و حقوق را ادا کنند، معیشت‌شان به بهترین وجه ممکن محقق خواهد شد: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَذَوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۹۷).

معنویت با تسلط نظام ربوی در تضاد است. ربا نابودی تولید و انفاق نشئت گرفته از معنویت است و منشأ رشد خواهد شد. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره: ۲۷۶). با حذف ربا از بازار، تمام ساختارها

و تحلیل‌های کلان‌مبنتی بر اقتصاد ربوی اعتبار خود را از دست داده، بازارهای مالی و اوراق قرضه فرو می‌ریزد. با حذف نرخ بهره و جایگزینی نظام مشارکت، نه تنها مشکل اساسی در اقتصاد رخ نمی‌دهد، بلکه همه متغیرهای اساسی وضعیت بهتری پیدا خواهند کرد (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۵۹). حذف بهره موجب کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه کاهش قیمت‌ها خواهد شد (همان، ص ۶۳). کاهش هزینه‌های تولید به سبب فقدان متغیر برون‌زایی به نام «بهره» و کاهش نااطمینانی، میزان سرمایه‌گذاری، امکان افزایش تولید و سرمایه‌گذاری را فراهم می‌آورد (همان). در پی افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری، زمینه اشتغال نهاده‌های تولید نیز فراهم می‌آید. بنابراین با افزایش سطح اشتغال و تولید، عرضه کل نیز افزایش یافته و به سمت راست منتقل می‌شود که نتیجه آن کاهش قیمت‌ها خواهد بود. علاوه بر این با حذف نرخ بهره از بازار پول، تقاضای سفته‌بازی به صفر میل می‌کند و در نتیجه تورم پولی نیز از بین می‌رود. با افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید و کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، تقاضای جامعه افزایش می‌یابد و در نتیجه مصارف سرانه افراد نسبت به مصرف سرانه نظام سرمایه‌داری افزایش خواهد یافت. همچنین به سبب تقویت روحیه تعاون و همیاری اختلاف طبقاتی نیز کاهش می‌یابد.

### نهادهای خیریه عام‌المنفعه

هر قدر یک جامعه در جهت هدف غایی، یعنی اعتلای معنوی بیشتر عمل کند، اموال بیشتری از طریق قرض‌الحسنه، انفاقات، زکات، وقف، صلح رحم، عاریه، تعاون، تکافل، مواسات، ایثار، اخوت، احسان و مانند آن به افراد فاقد درآمد و یا کم‌درآمد منتقل می‌شود و وظایف دولت سبک‌تر و کارایی آن افزون‌تر می‌گردد (رک: جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۳۶۵). عملکرد این نهادها علاوه بر اینکه فعالیت‌های دو بخش دیگر اقتصاد (بخش خصوصی و بخش دولتی) را تکمیل می‌کند، چنانچه عملکرد آن به صورت عالمانه تبیین شود، انتظار می‌رود نقش بی‌بدیلی در دستیابی به اهداف پیشرفت اقتصادی ایفا کند.

### نتیجه‌گیری

«معنویت» حالت باطنی انسان و برآیندی از اعتقاد به توحید، باور خداوند متعال و تقوای قلبی است که در تمام عرصه‌های زندگی ظهور و بروز پیدا می‌کند. می‌توان «ایمان» (به معنای باور خداوند متعال) و تقوا، (به معنای احساس وجود خداوند متعال) را مؤلفه‌های معنویت دانست. تغییر در تولید ملی پاک با بهره‌مندی بهینه از منابع و عوامل تولید، توزیع عادلانه و مصرف صرفه‌جویانه بر پایه معیارها و ضوابط شرعی را (پیشرفت اقتصادی) می‌نامیم. پیشرفت جامعه نیز همچون تکامل فردی از «إِنَّا لِلَّهِ» شروع و به «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ختم می‌شود. مسیر ترقی، تکامل و پیشرفت جامعه جز با پذیرش حکمرانی خداوند متعال و مالکیت حقیقی او نسبت به کل هستی محقق

نمی‌شود. از نظر قرآن کریم برای جذب برکات آسمان و زمین و دریافت سهم دنیا و آخرت و روشن و شفاف شدن مسیر تکاملی زندگی، راهی جز ایمان به خدا، تقوای الهی و عمل به فرامین رسول نیست.

مسیرهای تأثیرگذاری معنویت بر رشد و پیشرفت اقتصادی را از طریق اصلاح انگیزه‌ها، رفتارها، ساختارها و نهادهای اجتماعی می‌توان ردیابی کرد. معنویت از طریق انگیزه‌های درونی، رفتارها را متأثر می‌سازد. معنویت انگیزه انسان اقتصادی برای فعالیت و دقت در کار را افزایش می‌دهد و بهره‌وری نیروی انسانی را ارتقا می‌بخشد و به پیشرفت اقتصادی می‌انجامد. با تعمیق ایمان و ارتقای تقوا، روحیه و فرهنگ جهادی در نیروی انسانی شکل می‌گیرد و فرهنگ جهادی بن‌مایه تغییر مضاعف در انگیزه نیروی انسانی، ارتقای مضاعف بهره‌وری، کارایی و سرانجام، شکل‌گیری کار و حرکت جهادی خواهد شد و از این طریق پیشرفت اقتصادی مضاعف برای جامعه به ارمغان خواهد آورد. فرهنگ جهادی عامل و ترغیب‌کننده حداکثر تلاش و فعالیت اقتصادی، مصرف به‌جا و در حد کفاف و حتی مشارکت مردمی داوطلبانه در تولید و تأمین نیازهای جامعه به‌عنوان واجبات نظامیه و بهبود بازتوزیع منابع در قالب کاروان‌های جهادی و مواسات است. چنین فرهنگی، منابع و امکانات را بسیج می‌کند و منشأ تخصیص بهینه منابع و تسریع همزمان ارتقای سطح معنویت، رشد اقتصادی و عدالت می‌شود.

انسان مؤمن و پرهیزگار نعمت‌های الهی - از جمله سرمایه - را موهبت الهی و امانتی در دست انسان می‌داند. او در استفاده صحیح، دقیق و کارا از سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و دارایی پولی نیز سرآمد است. معنویت نگرش قوام به مال را در آحاد جامعه پدید می‌آورد. قوام در به‌کارگیری منابع اقتضا دارد منابع و موهبت‌های الهی معطل نماند و به بهترین وجه ممکن به کار گرفته شود.

معنویت در ناحیه مخارج نیز از چند مسیر موجب ارتقای سطح تولید و در نتیجه پیشرفت اقتصادی می‌گردد. از طریق افزایش تقاضای کالای ضروری به سبب توازن اقتصادی، از طریق الزام سرمایه‌گذاری در واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه) به‌عنوان واجب کفایی و در نهایت، توانمندسازی محرومان و الحاق آنها به جمع تولیدکنندگان موجب پیشرفت اقتصادی می‌شود.

از سوی دیگر، معنویت موجب تحول در ساختارها و نهادهای اجتماعی می‌شود. اصولاً دولت اسلامی «حاکمیت ولی بر پایه مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی برای هدایت جامعه به سمت پیشرفت» است. هر قدر معنویت در یک جامعه بیشتر گسترش یابد قوانین و مقرراتی به تصویب می‌رسد که موجب اعطای حق به صاحبان حق می‌گردد. در یک جامعه معنوی به سبب وجود ضوابط و مقررات دقیق و برگرفته از منبع وحی، سایر نهادها - از جمله بازار - به گونه‌ای تنظیم شده است که پیشرفت اقتصادی از طریق شکوفایی استعدادهای فطری انسان و بروز توانمندی درونی او به‌منزله حداقل مطلوب حاصل می‌گردد.

## منابع

- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمیدبن محمد، ۱۳۷۸ق، *تسرح نهج البلاغه*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت دار احیاء التراث ارباب، جواد، ۱۴۰۰، *بررسی مقایسه‌ای روابط متقابل معنویت و رشد اقتصادی از منظر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد سرمایه‌داری*، رساله دکتری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ثابت، سیدعبدالمحمید و دیگران، ۱۳۹۳، *ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام*، قم، جامعه المصطفی‌العالمیه.
- جوادی املی، عبدالله، ۱۳۸۰، *تسنیم، تفسیر ترتیبی قرآن کریم*، تحقیق علی اسلامی، چ دوم، قم، اسراء.
- جهانپان، ناصر، ۱۳۸۸، *اسلام و رشد عدالت‌محور*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حرعاملی، ۱۴۱۲ق، *وسائل النبیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی تاش، سیدعلی و قادرعلی واثق، ۱۳۹۲، «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته، بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امام علی»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال سوم، ش ۲ (۸)، ص ۸۵-۶۳.
- حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۸، *الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خلیلیان، محمدجمال و دیگران، ۱۳۹۴، *معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خلیلیان، محمدجمال، ۱۳۸۴، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله، ۱۳۸۰، *توسعه انسانی در اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۳۷۵ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صنوان عدنان داودی، دمشق، دار‌العلم.
- رحایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۸۱، *معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن کریم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، «توسعه به عنوان هدف»، *معرفت*، ش ۲۸، ص ۳۱-۴۱.
- رودگر، محمدجواد، ۱۳۸۸، «معنویت‌گرایی در قرآن»، *علوم انسانی*، ش ۱۴، ص ۱۵-۳۲.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۴ق، *المیزان فی تفسیر القرآن، ط. الثانیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه*.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، «معنویت تشیع» در: *معنویت تشیع و ۲۲ مقاله دیگر*، قم، تشیع.
- فنائی اشکوری، محمد، ۱۳۸۷، *بحران معنویت، نقد عقلانیت و معنویت تجدیدگرا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، الوفاء.
- مصباح، علی، ۱۳۸۹، «واکاوی مفهومی معنویت و مسأله معنا»، *اخلاق پژوهشی*، ش ۱۴، ص ۲۹-۳۹.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا، مهدی رعایاتی و مهدی همتیان، ۱۳۹۲، «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ششم، ش ۱ (۱۱)، ص ۶۱-۹۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، *به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسینعلی، ۱۴۰۹ق، *ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه*، ط. الثانیه، قم، مکتب الاعلام الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۱، «آثار اقتصادی و اجتماعی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۵، ص ۵۹-۸۶.